

بسم الله الرحمن الرحيم

ماکرون جنگ جهانی اول را مقصر درگیری ملیت پرستانه در اروپا دانست؛ در حالی که هدف اصلی این جنگ نابودی دولت خلافت اسلامی بود



(ترجمه)

خبر:

بر اساس گزارش اسوشیتد پرس (The Associated Press): «رهبران جهان با داشتن قدرت شروع جنگ؛ اما وظیفه خطیر نگهداری صلح، پایان کشتار جنگ جهانی اول را بعد از صد سال به روز یکشنبه در مراسم‌های یادبود تجلیل کردند؛ طوری که نه تنها بر پیام "بار دیگر نه" تأکید کردند، بلکه خطوط جدید اشتباهات سیاسی جهان را نیز آشکار ساختند. همانند دونالد ترامپ، ولادیمیر پوتین و ده‌ها تن از سران کشورهای دیگر.

امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه به‌حیث میزبان از این فرصت استفاده کرد تا خطر بزرگی را در مورد شکست صلح و خطرات ملیت‌پرستی و ملت‌هایی که خودشان را بر سر منافع جمعی در صدر قرار می‌دهند، واضح و آشکار کند. ماکرون گفت: شیاطین گذشته آماده به تکمیل مأموریت‌شان برای آوردن بی‌نظمی و مرگ، باز خواهند گشت. او بیان کرد: میهن‌پرستی دقیقاً متضاد ملیت‌پرستی است. ملیت‌پرستی خیانت به میهن‌پرستی می‌باشد. او هم‌چنان گفت: در این قول نخست منافع‌مان، به دیگران هر اتفاقی می‌خواهد بیفتد، گران‌بهاترین چیزی را که یک ملت می‌تواند داشته باشد، چیزی که آن را جاودان می‌کند و سبب می‌شود تا بهترین باشد، فراموش کرده اید، این یک ارزش‌های اخلاقی به حساب می‌آید.»

تبصره:

امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه نباید برای مقابله با مخالفان ملیت‌پرست داخلی‌اش، از ملیت‌پرستی به‌خاطر ایجاد درگیری میان مردم انتقاد می‌کرد؛ چون میهن‌پرستی نیز بخاطر منقسم نگه‌داشتن اروپا مقصر است. اما آن‌چه ماکرون اعتراف نکرد، این است که هدف اصلی جنگ جهانی اول تنها کشورهای اروپایی نه، بلکه دولت خلافت اسلامی عثمانی بود. دولت خلافت اسلامی برای بیشتر از یک هزار سال دولت پیشتاز جهان و تنها ابرقدرت جهان بود که خط‌مشی قضایای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی جهان را تعیین می‌کرد. بعد از قرن هجدهم، دولت عثمانی از مقام قدرت نخست در جهان سقوط کرد، اما دولت‌های بریتانیا و فرانسه ادامه وجودش را بخاطر توازن قدرت در جهان، مخصوصاً در برابر امپراتور درحال گسترش روسیه، لازم می‌دانستند. همه این‌ها با حکومت خلیفه مخلص، باجرئت و شجاع، سلطان عبدالحمید در سال ۱۸۷۶م تغییر کرد. غرب درک کرد که هنوز دولت خلافت عناصر قوی را در خود دارد و می‌تواند به‌عنوان قدرت نخست جهان بازگردد و به امپریالیزم (استعمارگری) غرب نقطه پایان بگذارد.

بیشتر سلاطین قدرت‌مند عثمانی سیاست‌های اروپا را به دقت زیر نظر می‌گرفتند و سلطان عبدالحمید نیز از این قاعده استثناء نبود. با ظهور نفس‌های تازه آلمان، سلطان قدرت و سلطه آلمان را افزایش داد و با در دسترس قرار دادن منابع نفت خاورمیانه از طریق احداث خط آهن از این کشور حمایت کرد؛ ولی رؤیای خلافت برای وصل شدن به آلمان، که در قلب اروپا قرار دارد، از طریق قطار یک تهدید استراتژیک بی‌مانند برای کل نظم بین‌المللی محسوب می‌شد؛ طوری که ارتش‌های اسلامی می‌توانستند در طی چند هفته به مرکز اروپا منتقل شوند. در نتیجه، اتحاد عجیب قدرت‌های جهان آغاز شد؛ طوری که دشمنان سرسخت سابق بریتانیا، فرانسه و روسیه در تقابل با آلمان و در عقب آن دولت عثمانی متحد شدند. باقی آن، همان‌گونه که روایت می‌کنند، تاریخ است.

با وجود عزل سلطان عبدالحمید در سال ۱۹۰۹م، غرب می‌دانست که آن‌ها باید دولت عثمانی را از قلمرو وسیع‌اش پاک کنند تا مطمئن شوند که هرگز هیچ خلافتی در آینده نتواند بار دیگر سلطه غرب را تهدید کند. جنگ جهانی اول زمانی پایان یافت که این سرزمین‌ها کاملاً در کنترل غرب قرار داشت، در حالی که آلمان، هدف ظاهری جنگ، هیچ ضرر ارضی را متحمل نشد.

آن‌ها در طی چند سال توانستند خلافت را به صورت کامل براندازند، حتی حدود مرزی دولت ترکیه فعلی را به شدت کاهش دادند و سپس آن را به یک جمهوری مدل غربی تبدیل کردند. در نبود دولت خلافت، غرب توانسته‌است تا بر امور جهانی تسلط یابد و برای افزایش قدرت نخبگان غربی بشر را استثمار کند؛ حال آن‌که تمدنی را در جهان به ارث گذاشته‌است که مادیات را به قیمت معنویت، اخلاق و انسانیت، بدست می‌آورد.

به رغم درخواست‌های ماکرون، تمدن غربی قادر نخواهد بود تا از ملیت‌پرستی فرار یا ارزش‌های اخلاقی آن را اصلاح کند، چون این‌ها نتایج اجتناب‌ناپذیر ایدیولوژی سرمایه‌داری سیکولر است که آن را بی‌بند می‌کند. در حقیقت بندگی غرب تنها در اسلام است. به خواست الله سبحانه و تعالی، بشر بزودی ظهور مجدد دولت خلافت اسلامی را برمنهج نبوت شاهد خواهد بود که سرزمین‌های اسلامی را بار دیگر متحد می‌کند، غرب استعمارگر کافر را بیرون می‌اندازد و عدالت و صلح را به تمام جهان باز می‌گرداند. در یک حدیث به روایت احمد آمده است:

«تَكُونُ النَّبُوءَةُ فِيكُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعَهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَيَّ مِنْهَاجِ النَّبُوءَةِ، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعَهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، فَيَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعَهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعَهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَيَّ مِنْهَاجِ النَّبُوءَةِ. ثُمَّ سَكَتَ»

(رواه احمد)

ترجمه: تا مدتی که الله (سبحانه و تعالی) بخواهد در میان شما نبوت و پیامبری باقی خواهد ماند و هنگامی که الله (سبحانه و تعالی) خواست آن را از میان بر می دارد و بعد از آن خلافت بر روش و منهج نبوت خواهد بود و آن تا هنگامی که الله (سبحانه و تعالی) خواسته باشد، ادامه می یابد؛ سپس وقتی الله (سبحانه و تعالی) خواست آن را برداشته پادشاهی با دندان گیرنده می آید و آن تا وقتی الله (سبحانه و تعالی) خواسته باشد، دوام می کند؛ سپس هنگامی الله (سبحانه و تعالی) خواست آن را برداشته، پادشاهی جبر و ستم خواهد آمد و تا وقتی الله (سبحانه و تعالی) خواست، دوام می یابد؛ بعد از آن، هنگامی الله (سبحانه و تعالی) خواست آن را دور کرده بار دیگر خلافت بر روش و منهج نبوت می آید.

نویسنده: فایق نجاح

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۷ ربیع الاول ۱۴۴۰ هـ.ق

۱۵ نومبر ۲۰۱۸ م